

وظیفه شناسی و فرسودگی تحصیلی دانش آموزان

مریم نصیرپور^۱

^۱کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، مربی پرورشی آموزش و پرورش مدارس استثنائی، شیراز

am4027@yahoo.com

۰۹۱۷۱۳۳۳۶۴۵

چکیده

همه ساله، دانش آموزان زیادی با شوق و رغبت و امید به آینده، وارد مقاطع مختلف آموزشی می شوند و علی رغم اینکه انتظار می رود این شوق و انگیزه، ادامه یابد تا به بهترین نحو، به اعتلای فردی و جامعه کمک نماید، اما برخی از دانش آموزان، دچار فرسودگی تحصیلی می شوند، بنابراین مسئله اصلی پژوهش بررسی رابطه‌ی وظیفه شناسی و فرسودگی تحصیلی دانش آموزان بود. پژوهش حاضر به روش مروری کتابخانه ای و مطالعه‌ی نظر بزرگان و مقالات مرتبط در این حوزه انجام شده است که ابتدا به تعریف مسئولیت پذیری و فرسودگی تحصیلی پرداخته شده و سپس رابطه‌ی مسئولیت پذیری و فرسودگی تحصیلی گفته شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین مسئولیت پذیری با فرسودگی تحصیلی در سطح اطمینان رابطه معنی داری وجود ندارد. مسئولیت پذیری دانش آموزان به لحاظ پایه تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین یافته‌ها بیانگر این است که بین فرسودگی تحصیلی دانش آموزان به لحاظ پایه تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر می توان نتیجه گرفت که فرسودگی تحصیلی بسیار گسترده است و صرفاً منوط به مسئولیت پذیری نمی شود.

واژگان کلیدی: وظیفه شناسی، فرسودگی تحصیلی، پیشرفت تحصیلی

مقدمه

فرسودگی تحصیلی حالتی از خستگی ذهنی و هیجانی است که حاصل سندرم استرس مزمن مانند گرانباری نقش، فشار و محدودیت زمانی و فقدان منابع لازم برای انجام دادن وظایف و تکالیف محوله است (ماسلاچ، ۲۰۰۱). نخستین بار پزشکی به نام فروید (۱۹۷۴) واژه‌ی فرسودگی را ابداع کرد و به معنای پیدایش نگرش، رفتار و احساس منفی در مقابل فشارهای شدید مرتبط با کار دانست. نظریاتی هم در این مورد وجود دارد از جمله همفیل و راسبون (۲۰۰۴)؛ به نقل از تعامی، (۱۳۸۸) اعتقاد دارند که فرسودگی تحصیلی با استرس‌های فراوان، ساعات طولانی کار کردن همراه با تحصیل، دغدغه مندی و نگرانی در مورد نمره‌های درسی، شک و تردید نسبت به آینده، سطوح پایین کنترل، رضایت پایین از عدم تعادل بین زندگی شخصی و زندگی حرفه ای و سطح پایین دریافت حمایت از همسالان و دوستان در رابطه است.

پرداختن به جایگاه مسئولیت پذیری در عرصه‌های مختلف زندگی، از مباحث بسیار ضروری جامعه کنونی ماست؛ زیرا زندگی پیچیده انسان امروزی با رشد و پیشرفت تکنولوژی و نیز سهولت دسترسی به انواع اطلاعات مفید و غیر مفید و فرو ریختن مرزهای اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی با چالش‌های فراوانی روبه رو است که از آن جمله می‌توان به جهانی شدن و بومی ماندن، بحران جمعیت، بحران سلامتی و تغذیه، دگرگونی‌های فناوری، اثرات فناوری نوین ارتباطی بر مهارت‌های اجتماعی و اخلاقیات، مشکلات خانوادگی و ... اشاره کرد (سازمان سلامت جهانی، ۲۰۰۹)، از همین رو پرورش روحیه مسئولیت پذیری از اهداف غایی تعلیم و تربیت به شمار می‌رود.

مسئولیت پذیری یک انتخاب آگاهانه و بدون اجبار در تعیین رفتار خود و چگونگی رفتار با دیگران در مناسبات اجتماعی است (اسکارتی، رایت، پاسگال و گاتیریز، ۲۰۱۵). نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که رفتار مسئولانه در روابط بین فردی سبب انعطاف پذیری، سازگاری اجتماعی و در نهایت موفقیت در زندگی خواهد شد. رفتار غیرمسئولانه نیز موجبات رفتار خودخواهانه و اغتشاش در مناسبات اجتماعی را فراهم می‌سازد (مک دونالد، ۲۰۱۸؛ گتلین، ۲۰۱۶)، از همین رو وجود افراد با روحیه مسئولیت پذیری بالا یکی از سرمایه‌های عظیم اجتماعی به شمار می‌رود. اما متأسفانه امروزه شاهد افراد مسئولیت گریز هستیم و محیط‌هایی را می‌بینیم که زمینه‌های مسئولیت‌گریزی را در افراد تقویت می‌کنند. شواهد آماری حاکی از آن است که امروزه ضعف اخلاقی به عنوان مهم‌ترین معضل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناخته می‌شود و نوجوانان از روحیه مسئولیت‌پذیری پایینی در حوزه فردی و اجتماعی برخوردارند (چلی، ۱۳۸۹). براساس پژوهش خرمدل (۱۳۹۳) تنها ۱۳ درصد از پاسخگویان در مسئولیت‌پذیری نمره قابل قبولی به دست آورده اند که این موضوع نشان می‌دهد ابتدا محیط خانه و سپس محیط مدرسه - که فرد بعد از دوران کودکی بیشترین اوقات مفید خود را در آن سپری می‌کند. نقش و وظیفه خود را در زمینه پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری به خوبی ایفا نکرده اند. رشد مسئولیت‌پذیری در مدرسه توسط عملکردها، فرایندها، نحوه عکس‌العمل معلمان و به صورت کلی از طریق سیستم برنامه‌های درسی، آموزشی و پرورشی شکل می‌گیرد؛ بنابراین بسیاری از علل شکست در برنامه‌های مدرسه نظیر شکست در تحصیل، گریز از مدرسه و نظایر آن را می‌توان نتیجه شکل نگرفتن حس مسئولیت‌پذیری فراگیران در مدرسه دانست. براین اساس سازمان جهانی یونسکو در سال ۲۰۰۵ به طور خاص به حقوق و مسئولیت‌های دانش‌آموزان در مدارس پرداخته است. یونسکو (۲۰۰۵) به این نکته اشاره می‌کند که هدف از رفتن به مدرسه تنها یادگیری کتب درسی نیست؛ بلکه هدف اصلی دستیابی به شهروندان مطلوب همراه با مهارت‌های اجتماعی است که در این راستا تمامی امکانات و فرایندهای موجود در مدرسه باید به پرورش تمامی ابعاد (جسمی، ذهنی و اجتماعی) دانش‌آموز بپردازد (لولنبرگ و ارنشتاین، ۲۰۰۸).

مسئولیت‌پذیری

از مهم‌ترین اهداف نظام‌های تعلیم و تربیتی که همواره مورد توجه محققان نیز بوده پرورش فراگیرانی با انگیزه، هدفمند و پیشرفت‌گرا می‌باشد. دانش روان‌شناسی، به ویژه در حیطه‌ی انگیزش و یادگیری با تکیه بر یافته‌های تحقیقاتی خود بیشترین نقش را در این مسیر ایفا کرده است. رشد و تقویت حس مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت از دیر باز مورد توجه برنامه‌ریزان، معلمان، مربیان، والدین و حتی خود جوانان بوده است. برخورداری از حس مسئولیت‌پذیری به مثابه یک سرمایه ارزشمند حیاتی، در همدلی انسان‌ها، به ویژه افرادی است که از مهارت‌های اجتماعی کمتری برخوردارند و از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و خلاقیت‌ها به شمار می‌رود و عامل مهمی در پیشرفت تحصیلی، جامعه‌پذیری، سازگاری اجتماعی با گروه همسالان محسوب می‌گردد. عکس این قضیه نیز صادق است یعنی رفتار غیرمسئولانه، خودسرانه و عدم

شناخت واقعی از خود و عدم اعتماد به نفس در جوانان، باعث شکست، ایجاد عقده حقارت، خود کم بینی، و عدم احساس مسئولیت در انجام کارها و ایجاد افکار و توقعات منفی می گردد و عامل موثری در گسترش مفاسد اجتماعی و بزهکاری نوجوانان و جوانان محسوب می شود (بخشی، ۱۳۸۸).

از وظایف اصلی آموزش و پرورش در هر کشور انتقال میراث فرهنگی جامعه، پرورش استعدادهای دانش آموختگان و آماده کردن آنان برای شرکت فعال در جامعه است. بنابر این آموزش افراد به منظور تصدی امور مختلف ضروری می نماید و مسأله موفقیت یا عدم موفقیت در امر تحصیل از مهم ترین دغدغه های هر نظام آموزشی در تمامی جوامع است. موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هر جامعه نشاندهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدفیابی و توجه به رفع نیازهای فردی است. بنابراین نظام آموزشی را زمانی می توان کارآمد و موفق دانست که عملکرد تحصیلی دانش آموزان آن در مقاطع مختلف بیشترین و بالاترین رقم را داشته باشد. مسئولیت به معنای پاسخگویی قانونی، مالی با اخلاقی است و فرد مسئول، انسانی است که معتمد و قابل اطمینان است. آگاهی از مسئولیت، یعنی آگاهی از اینکه خود، سرنوشت گرفتاری های زندگی، احساسات و در نتیجه رنجها را بوجود می آورد. آدمی در راستای مسئولیت پذیری در جامعه، نقش هایی را عهده دار می گردد و حصار زندگی فردی و بی تفاوتی در هم شکسته، پیوندی عمیق بین سرنوشت و سعادت خویش با سرنوشت و سعادت دیگران، برقرار می کند و در نتیجه، زمینه تکامل، سعادت، رشد، توسعه و سازندگی خود و جامعه خویش را به تمامی ابعاد مهیا می سازد. زیرا خصوصیت مسئولیت پذیری در رفتار وجود انسان آثاری دارد که در قالب فضائل و کمالاتی چون اهتمام به امور دیگران، انسان دوستی، سودرسانی به هموعان در کار و زندگی فردی و اجتماعی، مردم گرایی و تعاون و همکاری، متبلور می شود (اسدی، ۱۳۸۹).

کسی که احساس مسئولیت دارد در جریان انجام مسنوسیب خود، احساس ارزشمندی می کند و نیز احساس می کند برای دیگران مثر است و آنها نیز برای او ارزش قائلند. او برای کار و کوشش، انگیزه ی جدی دارد و سعی می کند ناکامی های خود را تحمل کند و بردبار باشد تا اعتبار و ارزشمندی خود را پاس دارد (گلاسر ۱۳۹۱).

مسئولیت درختی است که زمینه اش شناختها، ریشه اش اعتقادات، بهارش بحرانها، حادثه ها و گرفتاری هاست. مسئولیت بر این پایه ها استوار است: داده ها بازدهی می خواهند، سرمایه ها باید سود بیاورند، آنچه از اوست باید برای او باشد (صفایی، ۱۳۸۹).

اهمیت مسئولیت پذیری کاملاً روشن است زیرا مسئولیت پذیری از مهم ترین جنبه های رشد جوانان و نوجوانان است و آنها در سایه ی پذیرش مسئولیت و مهارت های اجتماعی قادر به ارتباط با دیگران و سازگاری با اطرافیان و اجتماع خود می شوند. مسئولیت، حالتی که طی آن شخص نقش و اثر خود را در عوارض و نتایج یک فعالیت یا رفتار می پذیرد (اخلاقی بناری، پاک سرشت، صفایی مقدم، ۱۳۸۷).

هدف نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه سعادت و پیشرفت دانش آموزان است، بی شک مسئولیت پذیری دانش آموزان از مسائل مهمی است که سلامت عاطفی، اجتماعی، رشد و پیشرفت دانش آموزان در گرو آن است. برای رسیدن به این خواسته باید تا آنجا که ممکن است عوامل تأثیر گذاری بر آن را بررسی و شناسایی کرد. چنانچه دانش آموزان از ویژگی ها و صفات مثبتی مانند مسئولیت پذیری برخوردار باشند تا حد زیادی در امر تعلیم و تربیت موفق خواهند بود. وجود مسئولیت پذیری در دانش آموزان باعث می شوند آنها در مسیر بالا رفتن از قله های علم و دانش از دیگران سبقت بگیرند و علاوه بر موفقیت در زمینه ی تحصیل، در صحنه های دیگر زندگی سر بلند باشند و همواره احساس بالندگی را تجربه کنند.

فرسودگی تحصیلی

فرسودگی تحصیلی به طور مرسوم فرسودگی به عنوان یک سندرم سه بعدی خستگی هیجانی، زوال شخصیت و تمامیت فردی کاهش یافته مورد توجه قرار می گیرد که با سیاهه فرسودگی مسلح اندازه گیری می شود. خستگی هیجانی که اشاره به احساس خالی شدن و تهی شدن از منابع هیجانی فرد دارد. به عنوان مؤلفه استرس فردی مورد ملاحظه قرار می گیرد. زوال شخصیت اشاره به پاسخ های منفی بدبینانه با بیش از حد با بی رغبتی به سایر افراد در محل کار دارد که مؤلفه بین فردی فرسودگی را نشان می دهد (مسلخ و همکاران، ۲۰۰۱)، سرانجام تمامیت فردی کاهش یافته اشاره به احساس کاستی در شایستگی و میزان باروری و حس کارایی پایین فرد دارد که مؤلفه خودارزیابی فرسودگی را شامل می شود (Schaufeli & Schureurs, 2002)

فروید فرسودگی را نوعی حالت خستگی و تحلیل رفتگی می‌داند که از کار سخت و بدون انگیزه ناشی می‌شود. وی معتقد بود که نشانگان فرسودگی به صورت علائم مختلف ظاهر می‌شود و این علائم و شدت آن‌ها از یک فرد به فرد دیگر متفاوت می‌باشد. فرسودگی معمولاً به دلیل وقوع یکی دو واقعه دردناک و فشارزای زندگی اتفاق نمی‌افتد بلکه بر اثر انباشت تدریجی فشارهای روانی روزمره ایجاد می‌شود و بر اثر آن حالات مختلفی مانند ناامیدی، خستگی مزمن و کم شدن انرژی تجربه می‌شود. پژوهش‌های زمینه‌یابی اخیر نشان می‌دهد که در مدارس کشورهای اروپایی فشارهای روانی مربوط به مدرسه و مشکلات سلامتی مربوط به فشارهای روانی تحصیلی افزایش فوق‌العاده داشته است (سید عباس زاده و همکاران، ۱۳۸۲). عواملی که باعث فرسودگی تحصیلی می‌شود یکی از متغیرهای اثرگذار بر فرسودگی تحصیلی حمایت اجتماعی می‌باشد. منظور از حمایت اجتماعی قابلیت و کیفیت ارتباط یا دیگران است که منابعی را در مواقع مورد نیاز فراهم می‌کنند، حمایت اجتماعی یک کمک دو جانبه است که سبب ایجاد خودپنداره مثبت، خویشتن‌پذیری، احساس عشق و حرمت نفس می‌شود و در همه این موارد به فرد فرصت خودشکوفایی و رشد را می‌دهد. پژوهش‌های زیادی وجود حمایت را با تاثیرات بلندمدت بر سلامت روان و تندرستی بر اساس عملکرد بهتر و از طرف دیگر کم بودن حمایت اجتماعی را با سلامت روان و سلامت جسمانی پایین اثبات کرده‌اند. محققان درباره چگونگی تاثیر حمایت اجتماعی بر سلامت دو نظریه "فرضیه سپر" و "فرضیه تاثیر" را ارائه کرده‌اند. بر این اساس متغیر حمایت با توجه به اثرگذاریش به عنوان یک سپر برای جلوگیری از تاثیر استرس‌ها و پیشگیری از فرسودگی مورد توجه قرار می‌گیرد (بهریزی و همکاران، ۱۳۹۱). یکی دیگر از متغیرهای تاثیرگذار بر فرسودگی تحصیلی استرس ادراک شده است. استرس ادراک شده عبارت است از واکنش بدن به تغییری که مستلزم سازگاری با پاسخ جسمی، ذهنی، یا هیجانی می‌باشد، استرس می‌تواند به وسیله هر عامل با محرک تنش‌زا ایجاد شود، حتی سرو کار داشتن با یک بیمار، فرسودگی زمانی اتفاق می‌افتد که یک فرد برای یک دوره زمانی طولانی استرس را تجربه کند (Bruce, 2009). کمال‌گرایی نیز از دیگر متغیرهای اثرگذار بر فرسودگی تحصیلی می‌باشد. تحقیقات اخیر درباره کمال‌گرایی به این سازه همانند یک سازه چند بعدی می‌نگرند که شامل کمال‌گرایی سازگارانه و کمال‌گرایی ناسازگارانه می‌باشد. تفاوت کلیدی کمال‌گرایی سازگارانه و ناسازگارانه این است که در کمال‌گرایی ناسازگارانه با وجود شواهدی که حاکی از غیر واقعی بودن معیارها هستند، گرایش‌های کمال‌گرایانه همچنان ادامه می‌یابند. همچنین تفاوت آنها در این است که کمال‌گرایان سازگار برای رسیدن به این معیارها تلاش لازم را می‌کنند ولی عزت نفس خود را از دست نمی‌دهند (Lowel & Limke, 2009). بروس (۲۰۰۹) در پژوهش خود درباره شناسایی استرس و اجتناب از فرسودگی تحصیلی نتیجه گرفت که عوامل متعددی مانند نارسایی حمایت اجتماعی، استرس بیش از اندازه و ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌توانند باعث فرسودگی تحصیلی شوند. طبق یافته‌های این پژوهش دانشجویانی که استرس بیش از اندازه و به تبع آن، فرسودگی تحصیلی را تجربه می‌کنند ممکن است علائم هشداردهنده‌ی جسمانی، عاطفی و ذهنی را از خود نشان دهند تا پنین تانر و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیقات خود در مورد فرسودگی به این نتیجه رسیدند که عوامل عمده‌ای در ایجاد فرسودگی نقش دارند که عبارتند از: کار بیش از حد، فقدان کنترل، فقدان پاداش، فقدان حمایت اجتماعی کافی، تضاد ارزش‌ها و فقدان عدالت و انصاف، آنها همچنین ذکر کرده‌اند که فرسودگی به نوبه خود منجر به پریشانی ذهنی، اضطراب، افسردگی ناامیدی، خصومت، شکست، کمبود انگیزش برای انجام وظیفه، ترک شغل، غیبت بیش از اندازه و کاهش بهداشت می‌شود.

فرسودگی تحصیلی و مسئولیت پذیری

در سال‌های اخیر، صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناسان تربیتی، پژوهش‌های مهمی را در مورد عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و متغیرهای مرتبط با آنها انجام داده‌اند که در بین آنها سازوکارهای یادگیری وسیله‌های مهم برای افزایش توانایی دانش‌آموزان در دستیابی به هدف‌های آموزشی محسوب می‌شوند (Seif, 2014). یادگیری دانش‌آموزان معمولاً توسط عملکرد تحصیلی آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد دلایل مختلف و زیادی، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بعضی از این دلایل باعث بهتر شدن و پیشرفت عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود و بعضی عوامل دیگر باعث بدتر شدن و ضعیف شدن عملکرد تحصیلی آن‌ها می‌شود. از قبیل دلایلی که بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر منفی می‌گذارد و اخیراً تحقیقات زیادی درباره‌ی آن در مدارس و دانشگاه‌ها شده است موضوع فرسودگی تحصیلی است. فرسودگی تحصیلی جز متغیرهای مهمی است که در دانش‌آموزان دیده می‌شود. اولین نفری که کلمه فرسودگی را به کار برد فروید بود و به دنبال آن اصطلاح فرسودگی توسط نیومن (۱۹۹۰) عنوان شد که در واقع معنی این کلمات درباره‌ی ایجاد رفتار و نگرش منفی در برابر فشارهای مزمن مربوط به کار است و این حالت بیش‌تر برای کسانی اتفاق می‌افتد که ساعات زیادی را در ارتباط با دیگران سپری می‌کنند. این افراد به خاطر خستگی از برخورد و رفتار صمیمانه با دیگران در محیط کار دوری می‌کنند و افراد را مانند شی در نظر می‌گیرند و با آنها برخورد می‌کنند که سرانجام در خود احساس

بی هدفی و بی انگیزگی و پوچی خواهند داشت. دلایل زیادی می‌تواند باعث فرسودگی شود از جمله: محدودیت مالی، زمانی، و نداشتن وسایل لازم برای انجام تکالیف خود و همچنین زیاد بودن حجم کار و نرسیدن به اهداف که باعث ایجاد خستگی ذهنی و استرس می‌شود. دانش آموزانی که دچار فرسودگی تحصیلی می‌شوند فقط حضور فیزیکی در کلاس دارند و اشتیاقی به مطالب درسی و انجام تکالیف خود و مشارکت کردن در فعالیت‌ها ندارند و این سبب می‌شود که دانش آموز همیشه در کلاس حضور نداشته باشد و افت تحصیلی را تجربه کند (Maslach, ۱۹۸۱). تحقیقات نشان داده است که فرسودگی تحصیلی در مدارس و آموزشگاه‌ها زیاد شده است مثلاً توکلی زاده (۱۳۸۷) بیان کرده است که فراوانی فرسودگی تحصیلی در دانشگاه‌ها ۸۵ تا ۹۵ درصد است به طور کلی از نظر بعضی از دانشمندان، دانش آموزانی که در دوره دبیرستان از نظر تحصیلی عملکرد ضعیف‌تری دارند در دوره دانشگاه هم زیاد موفق نیستند. پژوهش‌ها نشان دهنده این هستند که افرادی که دچار فرسودگی تحصیلی می‌شوند در آینده آمادگی کمتری برای پیدا کردن شغل دارند و در صورت پیدا کردن شغل به وظایف کاری خود کم‌تر تسلط دارند. بنابراین مفهوم فرسودگی فراتر از حوزه شغلی به قلمرو تحصیلی نیز می‌تواند گسترش یابد (Michael, 2012).

فرسودگی تحصیلی در موقعیت‌های آموزشی با ویژگی‌هایی مانند خستگی ناشی از الزامات مربوط به مطالعه، رشد حس و نگرش بدبینانه و بدون حساسیت نسبت به مطالب درسی و نیز احساس پیشرفت شخصی ضعیف در تحصیل رابطه دارد، معمولاً علایمی مانند بی‌اشتیاقی نسبت به مطالب درسی، ناتوانی در ادامه حضور مستمر در کلاس‌های درس، مشارکت نکردن در فعالیت‌های کلاسی، احساس بی‌معنایی در فعالیت‌های درسی و احساس ناتوانی در فراگیری مطالب درسی و در نهایت افت تحصیلی را تجربه می‌کنند. فرسودگی تحصیلی شامل سه حیطه خستگی تحصیلی، بی‌علاقگی تحصیلی و ناکارآمدی تحصیلی می‌باشد. دانش آموزان به علت درگیر بودن با تکالیف درسی به نوعی شاغل محسوب شده که گاهی اوقات به دلایل مختلف باعث فشار عمده‌ای به دانش آموز می‌شود همانطور که یک شغل رضایت بخش به مرور زمان باعث نارضایتی نارضایتی شخص شود و شخص را به سمت فرسودگی پیش می‌برد (عزیزی، ۱۳۸۹). فرسودگی واژه‌ای برای بیان کردن تغییراتی که در زمینه‌های مختلف به شکل منفی در شخص در زمینه رویارویی با فشارهای روانی مربوط به کار به وجود می‌آید. مسلح و اسچافلی (۲۰۰۸) به نقل از سواری و بشیلده، (۱۳۸۹) اسپکتوره (۲۰۰۴) به نقل از نعیمی، (۱۳۸۸) عنوان کرد دانش آموزانی که از فرسودگی تحصیلی رنج می‌برند در تمامی مرحله‌های زندگی مثل زندگی گروهی و زندگی انفرادی و حتی علمی و عملی پسرقت می‌کنند و دچار مشکل می‌شوند این گونه از دانش آموزان خود را پایین‌تر از دیگر دانش آموزان می‌بینند و رقابت و علاقه‌ی کمتری برای درس خواندن دارند و دچار کاهش اعتماد به نفس می‌شوند و تصمیم به ترک تحصیل می‌گیرند و این گونه از دانش آموزان بر روی دیگر اطرافیان خود تاثیرات بد و منفی می‌گذارند و ناامید می‌شوند (Zhang, 2009). دانش آموز فرسوده فقط از نظر فیزیکی در کلاس حضور دارد و روح و فکرش در کلاس نیست و خود را درگیر فعالیت‌های کلاس نمی‌کند به همین دلیل تصمیم‌های مختلفی می‌تواند بگیرد که با رشته خود را تغییر دهد یا از لحاظ روان شناختی از تحصیل کناره گیری می‌کند. با توجه به پیامدهای ذکر شده از فرسودگی تحصیلی، امروزه پژوهشگران به دنبال شناخت عوامل تاثیر گذار در ایجاد یا مقابله با این معضل آموزشی هستند. مسئولیت پذیری یکی از عواملی است که می‌تواند با فرسودگی تحصیلی ارتباط داشته باشد، آینده خواستار انسان‌هایی است که قدرت انتخاب داشته باشند و بتوانند برنامه ریزی‌های خود را مطابق نیازهای خود انجام دهند نه احتیاجات دیگران. گلاسر (۱۳۹۳) بیان می‌دارد که مسئولیت پذیری موجب ایجاد روحیه و احساسات بهتر به زندگی در اشخاص شود. بی‌مسئولیتی و شانه خالی کردن اشخاص موجب بی‌تفاوتی نسبت به وظایف می‌شود. امروزه شاهد افرادی هستیم که هیچ تلاشی برای انجام مسئولیت خود نمی‌کنند. و هیچ تعهدی در قبال آن ندارند. مثال فریود معتقد است انسان مسئول اعمال و رفتار خود نیست، و نیرویی که در درون انسان است رفتارها را تعیین می‌کند. در حالیکه آدلر بر مسئولیت فردی و اجتماعی تأکید دارد. بنابراین، تعاریف مسئولیت پذیری نیز یکسان نیست. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا انسان موجودی اجتماعی است و رفتار او باید در برابر دیگران مشخص شود (Hernghan, 2007).

در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، یادگیری از طریق مشاهده‌ی رفتار دیگران انجام می‌شود که شامل چهار مرحله است که عبارتست از: توجه، به یاد سپاری، بازآفرینی و انگیزه بندورا معتقد است، گرچه الگوهای واقعی، در یادگیری نقش مهمی را ایفا می‌کنند، ولی امروزه با توجه به گسترش تکنولوژی و وسایل صوتی و ارتباطات گسترده، از الگوهای نمادین بیشتر استفاده می‌شود. با توجه به این که سومین بعد در آموزش مسئولیت اجتماعیست از نظریه‌ی بندورا می‌توان برداشت کرد که همه‌ی ویژگی‌ها و شرایط درسی از جمله برنامه‌ی درس، روش تدریس معلم در آموزش مسئولیت پذیری بسیار مهم و نقش بسزایی را دارد. روش تدریس معلم بایستی طوری باشد که احترام متقابل حفظ شود تا سبب افزایش اعتماد به نفس و موفقیت دانش آموز گردد. بنابراین بایستی از این نظریه استفاده کرد تا سرمشق‌هایی برای آموزش مسئولیت پذیری اجتماعی باشد (Seif, ۲۰۱۴). طبق نظر بندورا (۱۹۷۷) اگر کارها را پاداش و تنبیه تداخل دهیم مردم و دانش آموزان شبیه بادکنک عمل می‌کنند و مانند بادکنک که به هر سو می‌رود این افراد نیز

در برخورد با شرایط در محیطها سریعاً خود را تغییر داده بنابراین به دلیل این که فرد رفتارهای متفاوت زیادی را از خود نشان ندهد باید از معیارهای پاداش و تنبیه بهره‌ییم و خودتنظیمی را جایگزین آن قرار دهیم. خود تنظیمی فعالیتی است که فرد به خود تجویز می‌دهد و گاهی اوقات پاداش رفتار خود را حفظ می‌کند و گاهی اوقات واکنش منفی در تجویز خود قرار می‌دهد که سبب می‌شود که توان رفتار را کاهش دهد. خود تنظیمی سبب کارآمدی شخصی می‌شود و یکی از فواید کارآمدی شخصی نظم دهی به نقش خویش است. کارآمدی شخصی یعنی تصویری است که در ذهن شخص به وجود می‌آید که آیا می‌تواند از انجام یک کار بریاید یا خیر. آموزش توانایی‌های اجتماعی با توجه به این مفهوم و چارچوب است که مشکلات یا آسیب‌های روانی محصول و نتیجه‌ی بی مهارتی شخص است. این مهارت‌ها از قبیل جرات آموزی، برنامه‌های آموزشی، مهارت‌های ارتباطی، کنترل فشارهای روانی و هستند (Siter, 2004).

اخلاق پیش از عرف، اخلاق متعارف و اخلاق پس از عرف مشمول نظریه‌ی رشد اخلاقی کلبِرگ هستند. در سطح پیش از عرف، فعالیت کودکان با توجه به تنبیه یا تشویق است در سطح دوم تاکید بر نیازهای اجتماعی است، ارزش‌ها مقدمه‌ای بر علاقه‌ی شخصی است. این سطح دو مرحله، انتظارات بین فردی دو جانبه (که ارزش‌های مقبول شخص و مراقبت و وفاداری به دیگران، اساس قضاوت‌های اخلاقی است) و حفظ نظم اجتماعی (که فهمیدن نظم و قانون و عدالت و وظیفه که پایه استدلال اخلاقی است) را شامل است. در مرحله دوم این سطح فرد مسئولیت پذیری را یاد می‌گیرد. رسیدن به سطح سوم نشان دهنده اخلاق واقعی است. او این سطح را در اولویت اول و سپس جامعه را در اولویت دوم قرار می‌دهد. فرد در این مرحله برای خود قوانینی را وضع کرده است و برای آن تعهدی را ایجاد می‌کند (Slote, 2010). بیشترین رشد در مسئولیت اجتماعی فقط در سطح پس از عرف است. زیرا فرد می‌داند که بایستی قوانین و مقررات یک جامعه را رعایت کند و این سبب می‌شود که رفاه اجتماعی را بدست آورد و این شخص فردی است که از لحاظ اجتماعی مسئول است. ایس شخص را در وسط یک جهان می‌داند که خود آن فرد مسئول اعمال و احساسات خویش است. ایس (۱۹۷۹) معتقد است که رفتار انسان با توجه به فکر او اتفاق می‌افتد و باید میان افراد مسئولیت را ایجاد کنیم تا او بتواند زندگی خود را اداره کند و در عین حال که از احوال خود باخبر است از احوال دیگران نیز آگاه شود. پس باید برای داشتن رفتار مسئولانه‌ی مفید طرز تفکر مثبت و سازنده و منطقی نسبت به دنیا و خود داشته باشد. برای اینکه شخص مسئولیت پذیر باشد باید بر شناخت و تفکر او کار کرد و شناخت مقدمه‌ای بر هیجان فرد است (خدابخشی، ۱۳۸۸). زایونک (۱۹۸۶) عقیده‌ی ایس را رد کرده است چرا که معتقد است عاطفه مجزا از شناخت است پس در دیدگاه او شناخت هیچ تأثیری در هیجان عاطفی فرد ندارد. در نظریه گشتالت درمانی مسئولیت پذیری، اتکا بر توانایی خویش جهت انتخاب کردن است. گلاسر با اعتقاد به اینکه روانکاوی به مردم یاد نمی‌دهد که مسئولیت زندگی و انتخاب‌های خود را برعهده بگیرند، بلکه با نگاه به گذشته دیگران را سرزنش می‌کند لذا واقعیت درمانی را به وجود آورد. طبق نظریه کنترل، انسان‌ها همیشه به نحوی رفتار می‌کنند که دنیا و خود را به عنوان بخشی از دنیا کنترل کنند تا نیازهای خویش را به بهترین نحو ارضا کنند. گلاسر رفتار انسان را به یک اتومبیل تشبیه می‌کند. نیازهای اساسی انسان موتور ماشین هستند. این ماشین را خواسته‌ها هدایت می‌کنند چرخ‌های عقب آن احساسات و فیزیولوژی هستند. عمل و تفکر درست مثل چرخهای جلوی ماشین، جهت رفتار را تعیین می‌کنند. طبق نظریه کنترل، تغییر دادن مستقیم احساسات یا فیزیولوژی بدون کمک گرفتن از عمل و تفکر (چرخه‌ای جلو) دشوار است. این در حالی است که می‌توانیم صرف نظر از احساس خویش عمل یا تفکر خود را تغییر دهیم. رمز تغییر رفتار، تغییر عمل و تفکر است (Glasser, ۲۰۰۹).

نتیجه

مسئولیت پذیری، ابعاد مختلف زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی هر فرد را در بر می‌گیرد. تحقیقات نشان داده اند که نوجوانان مسئولیت پذیر، مهارت‌های شناختی رفتاری بالاتری از خود نشان می‌دهند و این مهارت‌های شناختی - رفتاری به نوبه خود باعث افزایش عزت نفس، مهارت‌های ارتباطی کار آمد، ارتباطات فردی و خودکارآمدی می‌شود. مسئولیت پذیری انسان را آماده مقابله با مشکلات زندگی می‌کند و موجب مقاوم‌تر شدن شخصیت افراد، افزایش بینش آنها نسبت به زندگی و رویدادهای آن، افزایش مهارت در اداره زندگی و برقراری ارتباط مؤثر و مفید با محیط و اطرافیانش می‌گردد. یافته دیگر نشان داد بین مسئولیت پذیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش در مورد رابطه مسئولیت پذیری با عملکرد تحصیلی با نتایج پژوهش‌های طباطبایی و همکاران (۱۳۹۰)، نوروزی (۱۳۸۰)، کاکس (۱۹۹۲)، هک هاوزن (۱۹۹۲) و موریس و شرمین (۱۹۸۱) همخوان است. در توضیح این یافته می‌توان گفت مسئولیت پذیری با ویژگی بالغانه فراگیران برای پذیرش مسئولیت یادگیری و بازداری از رفتارهای تکانشی ارتباط دارد و بنابر این، فراگیران مسئولیت پذیر یادگیری را به سوی نتایج مؤثر و عملکردی هدایت می‌کنند.

داوری های افراد از توانایی های خود (خودکارآمدی در تعامل با رفتار، احساسات و رفتارشان قرار می گیرد. در این راستا، کسانی که درباره کارآمدی خویش باورهای قوی تری دارند در انجام تکلیفها موفق ترند و کار کرد بهتری خواهند داشت. در مقابل آنهایی که توانایی و قابلیت خود را در سطح پایینی ارزیابی کنند، در پیشرفت تحصیلی از موفقیت کمتری برخوردار خواهند بود. در واقع باورهای خودکارآمدی یکی از بهترین پیش بینی کننده های عملکرد تحصیلی شمرده می شود. بر پایه پژوهشها، خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی پیوندی دوسویه و تعاملی دارند؛ بنابراین فراهم آوردن بافتی مناسب برای پیدایش کارآمدی مشیت می تواند زمینه ساز موفقیت تحصیلی در آینده باشد؛ به ویژه که تجربه های شخصی و تجربه های مشاهده ای به عنوان دو منبع اصلی نقش مهمی در این احساس کارآمدی ایفا می کنند. افزایش احساس خودکارآمدی باعث می شود که با توجه به سطح توانایی، دانش آموزان در راهبردهای خودسامان بخش مؤثرتری درگیر می شوند، کار کرد حافظه آنها افزایش یابد و نقش آسان ساز را در ارتباط بین فعالیت های شناختی بازی کند. مسئولیت پذیری به واسطه رابطه ای که با انگیزش دارد یکی از پیش بینی کننده های عملکرد تحصیلی محسوب می شود به ویژه زمانی که تعیین کننده های درونی انگیزش مورد توجه قرار می گیرند. پیک و سرون (۱۹۸۹) اظهار می دارند که خودکارآمدی بالا به تولید انگیزش پیشرفت می انجامد. همچنین پاریس و اکا (۱۹۸۹) مطرح کردند که دانش آموزانی که خود را افراد خود کار آمدی می دانند از راهبردهای شناختی و فراشناختی بیشتری استفاده می کنند و اصرار بیشتری برای انجام تکالیف خود نشان می دهند در نتیجه عملکرد تحصیلی بهتری دارند، صاحب نظران دیدگاه شناختی اجتماعی از جمله کوتینو (۲۰۰۹) معتقدند، دانش آموزان با خودکارآمدی بالا از راهبردهای خود تنظیمی بیشتری استفاده می کنند و در تکالیف درسی نمرات بالاتری می گیرند باورهای خودکارآمدی افراد سطح انگیزش آنها را از طریق میزان کوشش و مدت زمان پافشاری در مقابل موانع تعیین می کند. در نتیجه خودکارآمدی قادر به پیش بینی عملکرد تحصیلی می باشد (به نقل از طیموری فرد و فولادچنگ، ۱۳۹۱). این یافته ها با پیش فرض های نظریه شناختی - اجتماعی بندورا (۱۹۸۹) مبنی بر این که دانش آموزان خودکارآمد هنگام مواجهه با مشکلات بیشتر از افرادی که به قابلیت های خود تردید دارند، از خود سخت کوشی و پشتکار نشان می دهد و انگیزش و پیشرفت تحصیلی بالاتری دارند، همسو می باشد.

منابع

- Seif AA. Educational Psychology, Psychology of Learning and Education. Tehran. Informed. 2014.[Persian]
- Maslach C, Jackson SE. The measurement of experienced Journal of Occupational Behavior, 1981; 2: 99-113
- Maslach, C. Lieter, M. P. (2001). The truth about burnout. San Francisco: Jossey-Bass. Michael L, Afrooz GhA, Gholizadeh L. The relationship between self-concept and academic burnout with female students' performance. Journal of School Psychology, 2012; 1 (4): 103-90. [Persian]
- Azizi M. Relationship between self-efficacy and quality of learning experiences with burnout of graduate students of Allameh Tabatabai University of Tehran. Master Thesis. Allameh Tabatabai University of Tehran. 2010. [Persian]
- Zhang Y. Perfectionism, Academic Burnout and Engagement Among Chinese College Students: A Structural Equation Modeling Analysis. Personality & Individual Differences, 2009; 43(6): 1529-1540.
- Hernghan BR , Elson MH. Introduction to learning theories; Translated by Saif, A. Tehran: Doran. 2007. [Persian]
- Siter V. Humanization; Birshak translation, b. Tehran: Roshd Publications. 2004. [Persian]
- Slote M. Sentimentalist moral education: Theory and Research in Education, 2010; 8 (2): 125-143
- Khudabakhshi M, Abedi M. Investigating the methods of increasing responsibility in middle school students in Shahreza. Journal of Psychological Studies, Al-Zahra University, 2009; 5(1)[Persian]
- Glasser W. Station of the mind. New direction for reality therapy. New York. 2009.
- MacLeod, J. (2018). Professional Responsibility in an Age of Alternative Entities, Alternative Finance, and Alternative Facts. Transactions: The Tennessee Journal of Business Law, 19(1), 227-259.
- Lunenburg, Fred C. & Ornstein, Allan C. (2008). Educational Administration: Concepts and Practices. Belmont, CA: Wadsworth.



اولین کنفرانس ملی



CIVILICA



بندرعباس- آذر ۱۴۰۱

تازه های روانشناسی تکاملی و تربیتی

The first conference on **developmental and educational psychology**